ای جانهای پاک پاکی و آزادگی بدلست نه بتن بجانست نه بجامه و پیرهن انسان اگر آلوده باین خاکدان گردد جامه اگر پرند و پرنیان باشد چه فائده و ثمر دهد خلعت باید رحمانی باشد و پیرهن نورانی گردد هر چه تعلق بعالم بالا دارد پاک و مقدس است و آنچه از این خاکدانست اگر ثمراتش منتهی بجهان آسمان نگردد آلوده و ناپاک بهر چه از حق دور شوی و از یار مهجور گردی مذموم و منفور و بهر چه بدوست نزدیک شوی مقبول و ممدوح انسان باید نظر نماید و بصر جوید آنچه سبب دوریست از آن بیزار گردد و آنچه واسطه قرب و نور است باید بآن بیدار شود خلق عالم کل مستغرق در بحور این دار غرورند و از حق و رضایش محروم و مهجور هر چیزی خواهند جز خدا و هر دردی طلبند بجز دوا در هر رهی پویند جز سبیل هدی و هر سخنی گویند بغیر از ذکر دلبر بیهمتا پس شما همتی نمائید و قدرتی بنمائید تا خفتگان بیدار گردند و بیهوشان هشیار شوند بیگانگان آشنا گردند و گمراهان راه هدی پویند چشمها کور است و گوشها کر و زبانها گنگ کورانرا دیده روشن کنید و گنگان را زبان بگشائید و کرانرا گوش هوش دهید و مردگانرا زنده نمائید تا آنکه در درگاه احدیت موفق بسنوحات رحمانیت گردید و در آستان مقدس مقرب حضرت احدیت شوید از عالم مجاز نجات یافته بحقیقت پی برید